



نگاهی به مدعیان دروغین مهدویت در تاریخ سیاسی اسلام

آموزه مهدویت، به عنوان فصل مشترک تمامی فرق اسلامی است و اعتقاد به این آموزه، امید و پویایی را در جامعه می‌دمد، اما همواره از این آموزه دینی سوء استفاده شده است.

آموزه مهدویت، به عنوان فصل مشترک تمامی فرق اسلامی است و اعتقاد به این آموزه، امید و پویایی را در جامعه می‌دمد، اما همواره از این آموزه دینی سوء استفاده شده است.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه فارس، بر پایه برخی تحقیقات، مفهوم [171#& مهدی](#)؛ از ابتدای اسلام مطرح بوده است، اما گویا این عنوان در آغاز جنبه منجی‌بودن نداشته و فقط عنوانی افتخارآمیز، به معنای [171#& هدایت‌گر الهی](#)؛ بوده است. پس از مرگ معاویه، برای نخستین بار این واژه را برای فرمانروایی که انتظارش را می‌کشند و می‌آید تا اسلام را به کمال اصلی خود برگرداند و دوباره احیا کند به کار بردند. [171#& عبدالله بن زبیر](#)؛ کسی بود که خلافت را به چنین وصفی مدعی شد. در کوفه نیز مختار بن ابی عبیده ثقفی، محمد بن حنفیه را [171#& مهدی](#)؛ اعلام کرد.

باری، از آن جا که بدون وجود زمینه فرهنگی و دینی گسترده، هرگز امکان به کارگیری عناوین و مفاهیم خاصی همچون [171#& مهدی](#)؛ و [171#& قائم](#)؛ در اجتماع پیروان ادیان نظام مندی چون اسلام وجود ندارد، آنچه یاد شد شاهدی بر همین زمینه دینی رسوخ یافته تواند بود. اما این اندیشه نهادینه شده بعدها بروز و ظهور مهمتری پیدا کرد و سبب پیدایش حرکت‌های مؤثری شد.

موعودباوری اسلامی یا [171#& مهدویت](#)؛ نقش مؤثری در ایجاد جریانات دینی - سیاسی در تاریخ اسلام ایفا کرده است. از این میان پنج یا شش نهضت متکی به اندیشه [171#& مهدویت](#)؛ که به توفیقاتی در صحنه سیاسی و اجتماعی دست یافته‌اند را می‌توان برشمرد. این چند جریان توانستند با اتکا به رسوخ و گستردگی اعتقاد به آمدن [171#& مهدی](#)؛، به عنوان درهم کوبنده بساط ظالمان و ریاکاران حاکم، توده‌ها را همراه خود کرده و به مقاصد سیاسی خود دست یابند. پیدایی و رشد این جریانات، صرف نظر میزان راستی یا کژی آنها از راست باوری اسلامی، حکایت‌گر اصالت و ریشه داری اندیشه مهدویت در ذهنیت مسلمانان است:

1. فاطمیان: فاطمیان از گروه شیعیان اسماعیلی بودند که معتقد به امامت [171#& اسماعیل بن جعفر](#)؛ به عنوان امام هفتم، و غیبت فرزند وی محمد بن اسماعیل به عنوان نخستین امام [171#& مستور](#)؛ و [171#& قائم](#)؛ شدند.
2. موحدون: این جریان به رهبری ابن تومرت (درگذشته در 524 قمری) در مغرب پدید آمد. آن‌ها تا 652 هجری در مغرب و اسپانیا حکومت کردند. ابن تومرت ادعا کرد که وی همان [171#& مهدی موعود](#)؛ است که آمده تا اسلام حقیقی را زنده کند و مردم را از محنت به بار آمده از حکومت مرابطون برهاند. او برای توجیه این ادعا، اعلام کرد که از قبیله قریش و خاندان هاشمی و از طریق امام حسن علیه السلام از نسل فاطمه علیها السلام است. پس از مرگ وی پسرش عبدالؤمن کار او را به پایان برد و حکومتی مبتنی بر [171#& مهدویت](#)؛ برپا کرد که تا یک قرن دوام آورد. در این نهضت تمایلات سنی حاکم بود.

آنچه در تحلیل این گونه جریان‌ها معمولاً مورد غفلت واقع می‌شود، وجود زمینه‌های جدی و ریشه‌های عمیق فکری و دینی برای مفاهیم به کار گرفته شده در آنهاست. ابن تومرت با به کارگیری اندیشه [171#& مهدویت](#)؛ و عنوان [171#& مهدی](#)؛ در بستر فکری جامعه‌ای غیرشیعی توفیقات چشمگیری به دست آورد، که بعدها پایه‌گذار حکومتی گسترده شد. او به همین وسیله جامعه وسیعی از متدینان را با خود همراه کرد و هواداری عمیق ایشان را به دست آورد.

سؤالی که در این موارد باید به آن سخت اندیشید این است که آیا امکان آن هست که بدون وجود زمینه دینی و فرهنگی وسیع در میان عامه متدینان و بدون مقبولیت عام اندیشه مهدویت به عنوان یک آموزه اسلامی، داعیه‌دار چنین عنوانی شد، و مردم را از صمیم دل همراه و موافق خود ساخت؟ از این جا ضعف این نظریه که می‌گوید ابن تومرت مفهوم [171#& مهدی](#)؛ و [171#& مهدویت](#)؛ را از اندیشه‌های شیعی وام گرفت و در نهضت خود با موفقیت به کار بست آشکار می‌شود. چگونه می‌توان میان جامعه اهل تسنن مغرب و شمال آفریقا با یک عقیده شیعی صرف که محتوایش ظهور مصلحی دینی بنا به وعده پیامبر است، به توفیقی چنین گسترده دست یافت. بدون شک این نحو جریان‌های مبتنی بر [171#& مهدویت](#)؛ در جوامع سنی در طول تاریخ، حکایت‌گر رسوخ جدی این اندیشه و اصالت اسلامی آن است.

3. مهدویت سودان: پس از روزگار موحدون تا به این زمان شاید بیشترین بهره‌گیری سیاسی توفیق‌آمیز از اندیشه مهدویت را در سودان قرن نوزدهم شاهدیم. در آن زمان در سودان، که بخشی از امپراطوری عثمانی بود، مردی به نام محمد احمد علیه حکمرانان آن دیار اعلام جهاد کرد. وی برخلاف رهبران سه نهضت پیش گفته، مهدویت خویش را با صبغای [171#& آخرت شناختی](#)؛ تبیین نمود، نه آن که خود را صرفاً یک [171#& مجدد](#)؛ بنامد. محمد احمد یک صوفی سنی بود که مدعی شد در مکشفا، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و یکی از شیوخ معروف را دیده که با او سخن گفته‌اند. وی با متحد ساختن مخالفان حکومت، علیه ترکان عثمانی، مصریان و دولت انگلیس، ارتشی به راه انداخت و در سال 1164 هجری تا 1268 هجری بیشتر سودان امروزی را تصرف کرد. او پیش از مرگش، در 1268 هجری تلاش کرد امت اولیه اسلام را احیا کند؛ به این منظور، تشکیلات صوفی را منحل کرد، قانون اسلامی را سختگیرانه به اجرا درآورد و حکم به عقیده‌مندی به مهدویت خویش نمود. جانشین او، عبداللّهی، تا 1281 هجری

حکومت کرد تا آن که حکومتش به دست انگلیسی‌ها منهدم شد. اکنون هواداران مهدویت سودانی به صورت يك حزب مخالف عمل می‌کنند.

4. بابیه و بهائیت: در سال 1213 هجری شخصی به نام علی محمد در ایران مدعی شد که «باب«؛ امام غایب شیعیان است. در پی این دعوی، او همچنین مدعی نبوت و مظهریتِ نفس پروردگار گشت گردید. او به جای فقه اسلامی قوانینی با معافیت‌ها و نرمش بیشتر وضع و آیین جدیدی مستقل از اسلام ساخته و پرداخته کرد که هنوز پیروانی دارد.

5. احمدیه (قادیانیه): این جریان توسط شخصی به نام غلام احمد در 1263 هجری در منطقه قادیان پنجاب هند به راه افتاد. وی همچنین ادعا کرد که مظهر رجعت عیسی مسیح است. او «مهدی«؛ را مظهر مسیح علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله وسلم و جلوه‌ای از کرشنه هندوها دانسته است.

این همه خیزش و حرکت‌های متکی به اندیشه مهدویت در جهان اسلام، فارغ از حقانیت یا بطلان آنها، می‌تواند ریشه داری و فراگیری این اندیشه را در میان مسلمانان بیشتر برملا سازد. گام دیگر این بررسی، یعنی بازشناسی نگاه و رأی مذاهب مختلف اسلامی درباره آموزه «مهدویت«؛ و مفاهیم و اعتقادات مرتبط با آن، می‌تواند، علاوه بر آشکار ساختن میزان عمومیت و اصالت آموزه مهدویت در اسلام، زمینه ساز شناخت گونه‌های مختلف این اندیشه در میان مذاهب اسلامی نیز باشد.

انتهای پیام/ک